



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

پژوهشی در سه رساله عرفانی

سوانح عزالی، لمعات عراقی، اشعة اللمعات جامی

استاد راهنما

آقای دکتر سید حمید طیبیان

استاد مشاور

خانم دکتر فرنگیس پرویزی

پژوهشگر

غلامرضا خدابنده‌لو

صلى الله عليه وسلم

فهرست مطالب

| | | |
|--------------------------|-------|-----|
| چکیده: | | ٤ |
| دیباچه: | | ٨ |
| فصل یکم: لغات و ترکیبات | | ٣٢ |
| فصل دوم: تلمیحات | | ٧١ |
| فصل سوم: اصطلاحات عرفانی | | ٨٥ |
| فهرست منابع: | | ١١٦ |

عيد

چکیده

بازخوانی آثار گذشتگان و بررسی افکار و اندیشه‌های آنان و دقت در زبان نوشتارشان مسأله‌ای مهم است که از جهات مختلف تحقیقاتی و ابعاد متنوع سنجش شایسته توجه و تأمل می‌باشد. علاوه بر این دسته‌بندی نوشته‌های پیشینیان در ابعاد مختلف، توان بررسی علمی و طبقه‌بندی آثار و خالقانشان را تضمین می‌نماید. در مجال اندک تحقیق حاضر سعی بر آن بوده است که اثر شیوای احمد غزالی، که اولین اثر به زبان پارسی در موضوع عشق است و *لمعات* فخرالدین عراقی که بر سنن *سوانح* غزالی و *اشعة‌اللمعات* جامی که بر مبنای مکتب ابن عربی به تشریح *لمعات* عراقی پرداخته است، از نظر الفاظ و زبان مورد بررسی و دقت قرار گیرد. از این رو تلاش شده است که با وسواس و مداقه موردی از قلم نیفتد.

در این راستا موارد و مدخل‌هایی مشترک یافته شد که گاه کمیاب و دیرفهم، گاه راه‌گشا برای درک الفاظ و عبارات مشابه در زبان سایر شعرا و نویسندگان است. امید می‌رود که این پژوهش و تحقیقاتی از این دست یاور انسان‌های بزرگ در آفرینش آثار بزرگی همچون واژه‌نما و فرهنگ‌های کارآمد در حیطه‌های مختلف ادبی باشد.

طرح مسأله

در زبان عربی کتاب‌هایی در باب عشق بشری و عشق الهی نوشته شده است، اما «سوانح» غزالی اولین کتابی است که به زبان پارسی نگاشته شده و بیان‌کنندهٔ مسائل غامض روحی در عشق است. در این کتاب الفاظ مصطلح بین مردم نمی‌تواند معانی را که در آن می‌باشد بیان نماید، و از این جهت نقل مطالب این کتاب برای دیگران زحمت دارد و آسان نیست. از این رو که عبارات کتاب مشکل است. به همین جهت شناخت و تعریف اصطلاحات عرفانی در این اثر مهم در شناخت دو اثر دیگری که به تبع این اثر نگاشته شده امری مهم است، تحقیق حاضر تتبع در زبان و افکار غزالی و عراقی و جامی می‌باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر در واقع حاشیه‌ای بر سه اثر عرفانی *سوانح*، *لمعات* و *اشعة اللمعات* جامی است که در آن تلاش شده است در چند فصل، لغات و تعبیرات، کنایات، اصطلاحات عرفانی و تلمیحات موجود در آن‌ها جمع‌آوری و بررسی گردد. در این تقسیم‌بندی کتاب ارزشمند «عراقی‌نامه» تألیف استاد بزرگوار جناب آقای دکتر طیبیان مطمح نظر بوده است.

در این پژوهش ابتدا، ضمن مطالعهٔ سه اثر یاد شده و آشنایی با زبان آن‌ها، فیش‌برداری و تدوین برگه‌ها و مدخل‌ها به صورت کلی در قالب ۲۰۰۰ برگه صورت گرفت در این میان تلاش دائمی نگارنده، دقت در انتخاب مدخل‌ها و سعی در استفاده کامل از ظرفیت موجود، در کار بوده است. در پایان این مرحله دسته‌بندی یادداشت‌ها در چند گروه، مدنظر قرار گرفت. روش کار در مورد تشخیص تعبیرات عرفانی نیز چنین بوده که نخست مدخل‌هایی که در پنداشت اول، عرفانی می‌نمود، جدا و سپس با

فرهنگ عرفانی دکتر سجّادی مقایسه گردید.

در توضیح مدخل‌ها سعی شد از منابع مختلف دور و نزدیک استفاده شود. گاه اشاره‌ای در گوشه‌ای، راهنمای استفاده از منبعی کمیاب و سخت یاب گردید. در این پژوهش سعی بر آن بوده که در نهایت ایجاز و تلخیص، شاهد مثال‌ها، توضیح و تشریح شود.

پیشینه تحقیق

در سال ۱۳۷۲ کلیّات (مجموعه آثار فخرالدین عراقی) به کوشش خانم نسرین محتشم به طبع رسید. این کتاب تنها اثری بود که یکی از رساله‌های مورد تحقیق در این اثر یعنی *لمعات* در آن به زندگی عراقی و خود اثر پرداخته شده بود. اما دو اثر دیگر یعنی *سوانح* و *اشعة اللمعات* به صورت متنی خام بدون بحث‌های لغوی و معنایی چاپ شده است. اما تحقیق حاضر که از روی چاپ‌های *سوانح* غزالی چاپ احمد مجاهد، *اشعة اللمعات* از روی چاپ حامد ربانی و *لمعات* از روی چاپ نسرین محتشم انجام یافته، به بررسی الفاظ و عبارات و اصطلاحات و کنایات در زبان این آثار پرداخته است.

دیاچہ

غزالی

زندگی غزالی

امام مجدالدین ابوالفتوح احمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی، از اکابر عرفای اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، برادر کهنتر حجت الاسلام محمد غزالی می‌باشد.

«تاریخ ولادت وی در جایی ذکر نشده است ولی از آنجایی که تاریخ تولد محمد در سنه ۴۵۰ هـ ق به اتفاق ذکر گردیده است و همه صاحبان سیر که متفقاً نوشته‌اند: که احمد و محمد در کودکی با هم به شاگردی احمد رادکانی می‌رفته‌اند، از این جا می‌شود استنباط کرد که چون تولد محمد در سال ۴۵۰ هـ ق می‌باشد. به قرینه تولد احمد باید بین ۴۵۱ تا ۴۵۹ هـ ق باشد و محل تولد وی نیز چون محمد در طابران توس بوده است»^۱.

محمد غزالی طوسی، پدر محمد و احمد، با این که مردی بی‌سواد بوده و به شغل بافندگی اشتغال داشته است. در همه حال آرزوی داشتن فرزندی فقیه و واعظ در دل می‌داشته است. بعد از مرگ وی و بنا به وصیتش احمد رادکانی مردی زاهد و صالح و صوفی و از فقهای شافعی، تربیت این دو کودک را به عهده گرفت و به دلیل فقر مالی بعد از مدتی ایشان را به ترغیب جهت تحصیل روزی به مدرسه و تحصیل نمود.

احمد غزالی دوران جوانی را به تحصیل علم فقه همراه با ریاضت و سلوک صوفیه در توس می‌گذراند. علم طریقت را نزد شیخ خود ابوبکر نساج طوسی متوفای ۴۸۷ هـ ق فرامی‌گیرد.

غزالی عارف سوخته‌دل، پس از گذشتن از مراحل سلوک و عرفان، شعار خود را خدمت به صوفیه و دست‌گیری از مستعدان قرار داد و برای این منظور به آبادی‌ها و

۱. احمد مجاهد، مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، ص ۱۳.

شهرها می‌رفت. وی در مدتی که برادرش محمد به جهت زهد ترک تدریس نظامیه بغداد نمود و عزم سیر و سفر کرد جانشین او در امر تدریس شد.

وی در نهایت به سال ۵۲۰ هـ ق در قزوین درگذشته است.

احمد غزالی استاد تنی چند از بزرگان تصوف و عرفان بوده است. دکتر احمد مجاهد در پایان کتاب «مجموعه آثار فارسی احمد غزالی» شجره‌نامه‌ای آورده است که در آن نسب بسیاری از طرق و صوفیان امروزی و گذشته به احمد غزالی می‌رسد. در این جا نام چندتن از پرورش‌یافتگان و مریدان وی ذکر می‌شود.

۱- عبدالله بن محمد میانجی مشهور به عین‌القضات، شهید ۵۲۵ هـ.

۲- حکیم سنایی غزنوی شاعر بزرگ عرفانی و متوفای ۵۲۵ هـ از مریدان غزالی

۳- ابوالفضل صائن بن عبدالله صوفی بغدادی متوفای ۵۵۰ هـ که سلسله نعمت-

اللهیه و فروع آن از طریق وی به احمد غزالی می‌پیوندند.

۴- دیگر از شاگردان احمد غزالی، شیخ عبدالواحد آمدی متوفای حدود ۵۵۰ هـ و

صاحب کتاب «غرر الحکم و درر الحکم» می‌باشد که نزد احمد غزالی به

تحصیل روایت پرداخته است.

۵- دیگر از مریدان شیخ احمد غزالی، بنابر قول صاحب تذکرة المشایخ، شیخ

روزبهانی کبیر عارف معروف قرن ششم و مدفون در مصر می‌باشد.

آثار

شیخ احمد غزالی آثاری به هر دو زبان عربی و فارسی نگاشته است که ما در ابتدا

آثار عربی وی و سپس آثار فارسی او را یادآور می‌شویم.

آثار عربی

۱. بحرالمحبه فی أسرار المودة فی تفسیر سورة یوسف - با- تفسیر سورة یوسف.

۲. التجريد في كلمة التوحيد
۳. الذخره في علم البصيره - يا- الذخيره لأهل البصيره
۴. الحقّ و الحقيقه
۵. في الأسماع
۶. في صورة الشجره الطيبه في الأرض الانسانيه
۷. كيمياء السعاده
۸. مختصر احياء علوم الدين - يا- لباب الأحياء - يا- لب الاحياء
۹. المجالس
۱۰. رساله نوريه

آثار فارسی

دکتر احمد مجاهد در کتاب خویش «مجموعه آثار فارسی احمد غزالی» صفحه ۱۶۳

چنین آورده است:

در این مجموعه شش اثر و یک مقاله و دو بخش به شرح زیر آمده است:

۱. بحر الحقیقه
۲. رساله الطیور
۳. عینیه
۴. نامه
۵. وصیت، پندنامه‌ها
۶. مقاله روح
۷. بخش اقوال و آرا و عقاید غزالی که در کتاب‌ها از او نقل شده اما در آثار وی دیده نشده است.

۸. بخش اشعار وی که در جُنگ و مجموعه‌ها و کتاب‌ها از او نقل شده اما در آثا وی ضبط نیست.

۹. سوانح

سوانح

غزالی *سوانح العشق* را که به نام‌های *السوانح فی العشق*، *سوانح العشاق*، *السوانح فی معانی العشق* نیز معروف است، در غلبه محبت وی (عین القضاة همدانی) نوشته: آن رساله‌ای است نظماً و نثراً سخنان خوب و عبارات مرغوب دارد، این رساله چون در سطح محب و درباره عشق تدوین شده، پیداست سراسر مشحون به تجلیات عشق و دقایق سیر و سلوک عاشق می‌باشد.

غزالی در مقام بیان موضوع و توصیف کتاب آورده است:

این حروف مشتمل است بر فصولی چند که به مبانی عشق تعلق دارد. گرچه حدیث عشق در حروف نیاید و در کلمه نگنجد زیرا که آن معانی ابکار است که دست حروف به دامن حذر آن ابکار نرسد... الخ.

طرح این رساله به یک دیباچه و ۷۴ فصل ریخته شده است. روش مؤلف آن است که آغاز غالب فصول را با «بدانکه» شروع و با چند بیت شعر و رباعی، دوبیتی، قطعه، به مناسبت خاتمه داده است.

تنها فصل اول را با آیاتی از قرآن بدین گونه شروع نموده است: **قال الله تعالی**

یحبههم و یحبونه به همین ترتیب فصول پیشرفته و کتاب با این بیت خاتمه یافته است:

کتاب سوانح به آخر رسید که خواننده را عشق گردد مزید

چون سبک هر دوره‌ای عبارت از تحقیق در طرز و تفکر در شیوه بیان اندیشه گویندگان و نویسندگان آن عصر می‌باشد از آنجایی که غزالی در اواخر قرن پنجم تا

دهه دوم سده ششم می‌زیسته سادگی و روانی ایجاز و سلاست نثر سامانی را تا حدی حفظ نموده است. منتهی لغات عربی را بیش از آثار دوره قبل به کار برده و گاه گاهی جملات را دراز و افعال را مکرر کرده است.

عراقی

زندگی عراقی

شیخ فخرالدین ابراهیم بن بزرگمهر بن عبدالغفار جوالیقی، متخلص و مشتهر به عراقی در سال ۶۱۰ هـ در دهی از دیه‌های همدان به نام کمیجان تولد یافت. عراقی هفده ساله بود که به اتفاق جمعی از قلندران از همدان به هندوستان رفت و در شهر مولتان به حلقهٔ مریدان نخستین مراد و استاد خویش بهاءالدین زکریا ملتانی درآمد و دختر او را به زنی گرفت و مدت پنج سال در خدمت بهاءالدین زکریا ماند. پس از آن که شیخ بهاءالدین در سال ۶۶۶ هـ چهره در نقاب کشید، عراقی از دیار هند روی برتافت و به عمان رفت و از آنجا به قصد زیارت خانهٔ کعبه روانهٔ حجاز شد. پس از آن متوجه دیار روم گشت و در این شهر به خدمت صدرالدین قونیوی درآمد و نزد وی به خواندن «فتوحات مکیه» و «فصوص الحکم» شیخ محیی الدین بن العربی پرداخت و با حضرت مولانا جلال الدین رومی روابط و مناسبات فراوانی پیدا کرد.^۱

عراقی در شهر قونیه و در مکتب شیخ صدرالدین قونیوی بوده ضمن استماع درس «فصوص الحکم» بزرگ‌ترین کتاب مشهور خود را موسوم به لمعات تألیف و تقدیم شیخ کرد. پس از درگذشت مولانا جلال الدین، معین الدین پروانه که امیر مقتدر روم و شاگرد و مرید عراقی بود، برای عراقی خانقاهی در شهر توقات (دوقات) از شهرهای ترکیهٔ امروزی بنا نهاد. و بدین ترتیب عراقی از قونیه به دوقات رفت و تا زمان دستگیری معین الدین پروانه، در این شهر اقامت گزید.

بعد از دستگیری معین الدین پروانه وی به مصر گریخت و از آنجا به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا اقامت گزید. عراقی در هفتاد و هشت سالگی در هشتم

۱. سید حمید طبیبیان، *عراقی نامه*، ص ۶-۷.

ذی‌القعدة سال ۶۸۸هـ به جوار رحمت حق پیوست و در جبل الصالحیه به خاک سپرده شد.

آثار عراقی

آثاری که از عراقی به جا مانده به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: آثار منظوم و آثار منثور.

آثار منظوم

۱. دیوان عراقی شامل غزل، قصیده، قطعه، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و رباعی است که روی هم ۴۵۱۵ بیت می‌شود.
۲. منظومه عشاق نامه یا ده فصل که ۱۰۵۳ بیت می‌باشد.

آثار منثور

۱. لمعات: که موضوع این تحقیق می‌باشد.
۲. نامه‌های عراقی

لمعات

لمعات را فخرالدین عراقی هنگام بحث دربارهٔ *فصوص الحکم*، کتاب معروف محیی‌الدین بن‌العربی، در خانقاه صدرالدین قونیوی تدوین کرده است و تاریخ تقریبی تألیف آن بین سال‌های ۶۶۸ تا ۶۷۰ می‌باشد. این رساله شامل یک مقدمه و بیست و هشت لمعه است. فخرالدین در مورد انشای آن در مقدمهٔ این رساله می‌گوید که: کلمه‌ای چند در بیان مراتب عشق، بر سُنن سوانح به زبان وقت گفته است. یعنی به روش سوانح

العشاق یا *السوانح فی معانی العشق* تألیف احمد غزالی ولی منظور او طرز عنوان و نحوه بیان مطلب به وسیله غزالی در *سوانح* است نه شیوه نگارش او. دکتر پورجوادی نیز این اشاره عراقی را چنین توجیه کرده‌اند:

عراقی با این که خود از شاگردان مکتب ابن عربی است، *لمعات* را بر سنن *سوانح* نوشت برخلاف آنچه معمولاً پنداشته‌اند منظور عراقی این نیست که می‌خواهد از اسلوب و سبک غزالی در *سوانح* تقلید کند، بلکه مراد او این است که می‌خواهد مسائل عرفان را با اصطلاحات مکتب غزالی بیان کند، به عبارت دیگر به جای این که مانند ابن عربی صرفاً از احدیت و واحدیت و حضرات دیگر و تجلی و استغفار و افتقار و ربّ و عبد سخن گوید می‌خواهد سخن از عشق و عاشق و کرشمه و ناز و نیاز به میدان آورد.^۱

بدین ترتیب عراقی از پیر و مقتدای عشقی خود شیخ احمد غزالی استقبال می‌کند نه تقلید، و مطالب غامض و مبهم فصوص را به شیوه سخن و تعبیرات عاشقانه غزالی پیوند می‌زند و با زبان شیرین و شاعرانه خود در قالب نثری دلپذیر عرضه می‌کند، آن هم به زبان مردم زمانه خویش - که تفاوت آن با زبان غزالی به خوبی مشهود است - که ضمن سادگی از انسجام بیش‌تری برخوردار است.

عراقی بیش‌تر اصطلاحات و تعبیرات عرفانی را به زبان فارسی آورده است البته تعصّب در این کار به خرج نداده، اما یکی از دلایل سیال بودن زبان او همین است. برای مثال بیم و امید را به جای خوف و رجا می‌آورد اما در *لمعه* دهم هر دو صورت را با هم آورده است. و گوید: نه امید داند و نه بیم، و نه خوف شناسد و نه رجا.

البته در این مهم معلومات عراقی محدود به کتاب *فصوص* و یا تقریرات ابن عربی در *فتوحات مکیه* نیست، بلکه حاصل یک عمر مطالعه و کسب فیض از درگاه پیران طریقت و از آن بالاتر بهره‌مندی از میراث عرفایی است که پیش از او این راه را هموار

۱. نصرالله پورجوادی، *سلطان طریقت*، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه ۱۳۵۸.

کرده‌اند، به طوری که آن آثار چه مستقیم و چه غیرمستقیم در این اثر مشهود است. گذشته از روش متداول که الهام از قرآن کریم و استناد به آیات و احادیث و اقوال مشایخ است، در لمعه هفدهم وی جلسه بحث و فحصى، یا به اصطلاح امروزی میزگردی برای عرفا تشکیل می‌دهد و از آن نتیجه‌گیری می‌کند. او هر جا که مناسب می‌بیند بیتی یا مصرعی از عرفای پیشین چون عطار و سنایی و ابن فارض به فارسی و عربی نقل می‌کند، گاه نیز اشعاری از خویش می‌آورد و این کار نثر او را آهنگین‌تر می‌کند.

غیر از نقل قول‌هایی که با نام عرفا و مشایخ صوفیه آمده، گاه نیز به سخنانی برمی‌خوریم که اقتباس از پیشینیان است، مانند این گفتار که از نجم الدین کبرا - پیر و مراد بابا کمال جندی - است: «عشق آتشی است که احشا و جگر را می‌سوزاند» و عراقی آن را بدین صورت آورده است: «عشق آتشی است که چون در دل افتد، هر چه در دل یابد همه بسوزد تا به حدی که صورت معشوق نیز از دل محو کند».^۱

ارزش کار عراقی در این است که وی ضمن بهره‌گیری از *فصوص الحکم* ابن عربی و *سوانح العشاق* غزالی کار یک مقلد را نکرده است بلکه برگرفته‌ها را در کارگاه ذوق سلیم و قریحه سرشار خود با عصاره دانش و بینش عارفانه خود آمیخته و اثری دیگرگونه و بدیع و متعالی خلق کرده است که این مولود هم از نظر فرم و هم تا اندازه‌ای از نظر فکر شخصیتی برتر از خویشان خود دارد شاید از این روست که استاد زرین کوب می‌گویند:

بیان عراقی در این رساله تبیین شاعرانه‌ای است از وحدت وجود ابن عربی با تعبیری که بیش‌تر بر وحدت شهود مبتنی است.^۲

۱. لمعه بیست و سیم، ص ۵۱۸.

۲. عبدالحسین زرین کوب، *دنباله جست‌وجو در تصوف ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸-۱۴۹.

باید اعتراف کرد که با وجود ابهام و پیچیدگی مسائل مورد بحث، طرز نگارش عراقی بسیار ساده و روان و صریح و بلیغ و از همه بالاتر، شاعرانه است تا آنجا که می‌توان آن را شعر منثور خواند. این موضوع در ارزش میراث صوفیه چنین عنوان شده است که «نثر صوفیه مثل شعر آن‌ها به یک قلمرو تعلق ندارد. گاه این نثر مثل یک شعر آکنده از شور و جذبه و ذوق و عرفان می‌شود. در زبان فارسی پاره‌ای از آثار منثور صوفیه هست که آن‌ها را می‌توان شعر منثور خواند. مناجات‌های پیر انصاری و تمهیدات عین القضاة و سوانح احمد غزالی و لمعات عراقی و لواطج جامی شعرهایی عارفانه‌اند که در قالب کلام منثور مجال بیان یافته‌اند»^۱.

لمعات که تحت تأثیر آرا و سخنان ابن عربی رنگ فلسفی هم به خود گرفته است به قول دکتر زرین کوب «چیزی است در سر حد ادب و فلسفه و آمیخته‌ای از هر دو لطیفه»^۲.

نه تنها نحوه برخورد عراقی با موضوع شاعرانه است، که شیوه ادای کلام او نیز. نثر لمعات مشحون است از صنایع لفظی و معنوی که سجعی بسیار دلپذیر و در عین حال طبیعی آن را موزون و آهنگین می‌نماید. به کار بردن اشعار و ابیات عربی و فارسی، خواه از خود شاعر و یا از شاعران عارف دیگر به ویژه سنایی و عطار و ابن فارض به موسیقی کلام او قوت بیش‌تری می‌دهد. به خصوص که وی چنان هنرمندانه نثر را به نظم می‌آراید که چون کلامی یک‌دست برهم می‌آمیزد و در هم بافته می‌شود. استناد به آیات و احادیث و نیز کلمات قصار مشایخ در آن بسیار طبیعی صورت گرفته و در بافت کلام به خوبی جا افتاده است. به خصوص که در انتخاب سخنان مشایخ حسن سلیقه هم به خرج داده و از سخنانی که ظاهری ساده ولی مفاهیمی وسیع و عمیق دارند انتخاب کرده است. عراقی در عین حال مترجمی هنرمند است. ترجمه برخی

۱. پیشین.

۲. ارزش میراث صوفیه، ص ۳۰.

قسمت‌های *فصوص* را به طرزی شاعرانه در *لمعات* منعکس کرده است.

سپس عراقی *لمعات* را به حضور استاد خود صدرالدین قونیوی بهترین مفسر آثار ابن عربی عرضه می‌دارد. صدرالدین آن را می‌بوسد و بر دیده می‌نهد و می‌گوید: «فخرالدین عراقی سرّ سخن مردان آشکار کردی و *لمعات* به حقیقت لبّ *فصوص* است».

اگرچه *لمعات* منعکس کننده آرا و عقاید ابن عربی است ولی اولاً پرتوی که این انعکاس را به وجود آورده است از صافی تفسیر شیخ الاسلام وقت صدرالدین قونیوی گذشته و در ثانی با عنصر ایرانی اشراق و نیز با مکتب عاشقانه شیخ احمد غزالی پیوند خورده است. عراقی جز اشاره‌ای در مصرعی از قصیده مدحیه صدرالدین (بیت ۵۳۴):

که پدر صاحب الزمان دارد، در هیچ جا نام ابن عربی را بر زبان نمی‌راند. او می‌گوید *لمعات* را بر سنن *سوانح* نگاشتم و از شبلی و جنید ابوطالب مکی و خرقانی و نوری نام می‌برد و بایزید و حلاج را چون مقتدایان خود ارج می‌نهد و بارها کلام این دو عاشق پاکباز را تکرار می‌کند. گویا نمی‌خواهد خود را پایبند قالی کند، بلکه می‌خواهد از اهل حال باشد و مستانه کفه عشق را سنگین‌تر کند. این است که به غزالی و حلاج و بایزید تکیه می‌زند.

در هر حال *لمعات* از طرفی حلقه ارتباط بین آرای ابن عربی و ادبیات عرفانی فارسی شد و عرفا و شعرابی چون حافظ و جامی و شمس مغربی و شاه نعمت الله ولی و شیخ محمود شبستری را تحت تأثیر قرار داد که از این جهت آن را یکی از آثار مهم عرفانی به خاطر انعکاس آن در ادب صوفیه و انتقال افکار و تعلیمات ابن عربی در آثار شعرا و نویسندگان متصوف بعد از عراقی دانسته‌اند. از سویی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین کتاب‌های عرفانی نظری مورد مطالعه علاقه‌مندان آن و تدریس در خانقاه‌ها و حلقه‌های درس عرفا قرار گرفت. چنان که در تذکره میخانه در وصف عراقی و *لمعاتش* آمده است: «وصف دانش رتبه و حالت آن بحر معرفت از کتاب *لمعاتش* لامع است و آنچنان نسخه در علم تصوف که کسی از ارباب تصوف تصنیف نموده، مصدری است از

برای راست روی عاشقان و دلیلی است جهت راهبری اهل عرفان».^۱ یقیناً اولین خانقاهی که *لمعات* در آن تدریس شده خانقاه توقات بوده است، کما این که یکی از قدیمی ترین شروح به نام *ضوء اللمعات* نیز در همین شهر توقات تدوین شده منتهی در تاریخ ۸۱۵^۲

۱. تذکره میخانه، ص ۲۷.

۲. نسرین محتشم، کلیات فخرالدین عراقی، ص ۶۴.